

ادامه از صفحه ۲

واکنش سازمان برنامه و بودجه به یک گزارش

براساس برآوردهای انجام‌شده، ظرفیت سرمایه‌گذاری و تجهیز منابع مالی برابر با ۱۰ درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در حدود ۲۵هزار میلیارد تومان به‌عنوان آورده بخش عمومی و اهرم مالی از طریق این تبصره وجود دارد که با تلفیق منابع بانکی و منابع بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری بالغ بر ۹۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ در طرح‌های عمرانی صورت می‌گیرد و دستگاه‌های اجرائی می‌توانند معادل ۲۵۰هزار میلیارد تومان قرارداد مشارکتی منعقد کنند که معادل کل اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۱ می‌باشد.

رویکردهای لایحه بودجه برای توسعه مشارکت عمومی و خصوصی در سال ۱۴۰۱ شامل موارد زیر است:

- شمولیت همه طرح‌ها و پروژه‌ها اعم از اجرا و بهره‌برداری طرح‌ها و پروژه‌های جدید، نیمه‌تمام، تکمیل‌شده و آماده بهره‌برداری و اماکن درحال بهره‌برداری اعم از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با منابع عمومی و اختصاصی و طرح‌های شرکت‌های دولتی
- معادل ۱۰ درصد از سرجمع اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و استانی برای پروژه‌های قابل مشارکت
- ارائه تضامین برای ایفای تعهدات از طرف سازمان برنامه و بودجه کشر
- شمولیت مشوق‌های مالیاتی
- عدم شمولیت بهای محصول پروژه در قرارداد مشارکت برای تعرفه‌گذاری مندرج در قوانین و مقررات عام و خاص

امید است با تصویب لایحه مشارکت عمومی و خصوصی و تبدیل آن به قانون، بستر مناسبی برای افزایش سهم مردم در احداث و توسعه و بهره‌برداری از زیرساخت‌ها و ارائه خدمات بخش عمومی فراهم شده و زمینه کاهش تصدی‌گری دولت بیش‌ازپیش امکان‌پذیر شود.

توضیح(شرق)

شنبه ۳۰ بهمن، «شرق» گزارش یک نشست تخصصی را در نقد لایحه بودجه ۱۴۰۱ و آنچه با اسم «مشارکت» انجام می‌شود، منتشر کرد. آن‌طور که شنیده شده حتی برگزارکنندگان آن نشست از مدافعان لایحه هم دعوت کرده بودند.

ادامه در صفحه ۵

امیرحسین جعفری؛ انقلاب که پیروز شد، همه به دنبال شکستن قدرت در هر قالبی بودند تا جزئی‌ترین مسائل کشوری، استانی، شهری و روستایی با نظر عموم و مشارکت همه حل شود و طبیعتا یکی از موارد مهم این مسئله اداره شهرها بود. به‌خصوص شهرهای بزرگی مانند تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و شیراز که انقلاب پرنرگ‌تر هم در آن احساس می‌شد. این مطالبه جای خالی خود را بیشتر نشان می‌داد.

دولت موقت که شهرداری‌ها را نیز به دست داشت، با همکاری شورای انقلاب و مرحوم آیت‌الله طالقانی تلاش بسیاری در تدوین قوانین و اصول مدیریت شهری در راستای شکل‌گیری شورای شهر و محلات ایجاد کردند و در مهر ۵۸ اساسنامه مدیریت شهری به تصویب شورای انقلاب رسید؛ اما دیگر دولت موقت بر سر کار نبود و دولت‌های بعد نیز درگیر مسائل دیگری شدند. البته شوراهای روستایی از سال ۶۱ زیر نظر وزارت کشور و وزارت جهاد سازندگی تشکیل شده بود که بیشتر در حوزه محرومیت‌زدایی مسئولیت داشت و ساختار سیاسی بر آن حاکم نبود؛ اما زمان گذشت تا در مجلس پنجم و دولت خاتمی بحث احیای این قانون و شورای شهر دوباره در دستور کار قرار گرفت و براساس ضرورت‌های آن دوره و مدیریت واحد شهری با بررسی‌هایی که وزارت کشور در مشورت با کارشناسان این حوزه داشت، تصمیم به برگزاری نخستین انتخابات شورای شهر و روستا در سراسر کشور گرفت، اگرچه این طرح دستاورد دولت خاتمی نیست؛ بلکه اجرای آن دستاورد مهم دولت خاتمی است.

اما همه‌چیز به این آسانی پیش نرفت و در زمان ثبت‌نام انتخابات این شورا به علت اختلاف میان هیئت نظارت بر انتخابات که منصوبان مجلس اصولگرای پنجم بودند و وزارت کشور دولت خاتمی عده‌ای از ثبت‌نام‌کنندگان در تهران را ازجمله آقایان سعید حجاریان‌کاشانی، ابراهیم اصغرزاده، احمد حکیمی‌پور، محمد عطریانفر، عبدالله نوری و هفت نفر دیگر رد صلاحیت شدند. هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود به تاریخ ۲ اسفند ۱۳۷۷ می‌نویسد:

«دکتر ولایتی آمد و از رفتار کارگزاران کله کرد که با جامعه روحانیت مبارز هماهنگ نکردند و اکثر نامزدهای خود را از چپ‌های تند قرار دادند؛ تصدیق کردم. خبر داد که امروز باز هیئت نظارت، ۱۲ نفر از نامزدهای چپ من‌جمله آقایان عبدالله نوری، سلامتی، اصغرزاده و... را رد صلاحیت کرده که باز دعوا خواهد شد».

با اختلافات بسیار میان دولت و مجلس به‌هرصورت در دقیقه ۹۰ اصلاح‌طلبان به قول هاشمی تندرو تأیید صلاحیت شدند و این طیف با چهار لیست وارد صحنه انتخابات شد؛ اگرچه لیست چهارم آنها یعنی خانه کارگر ناقص ماند. چهار عضو لیست اصلاح‌طلبان نیز تا پایان کار شورا محل اختلاف کارگزاران و مشارکت باقی ماندند. از جمله: محمد غرضی، علیراده طباطبایی، غلامرضا فروزش و سیاسی؛ هرچند درخور توجه است که همه این ۱۵ نفر مورد حمایت کارگزاران و مشارکت الزاما عضو این احزاب نبودند؛ مانند ابراهیم اصغرزاده و احمد حکیمی‌پور که تعلق تشکیلاتی به هیچ‌کدام از این احزاب نداشتند؛ اما مورد حمایت آنها

سیاست

به مناسبت سالگرد نخستین انتخابات شوراها

از ۲ خرداد تا ۷ اسفند



بودند. احمد حکیمی‌پور دراین‌باره پیش‌تر در گفت‌وگویی با انصاف‌نیوز گفته است:

«برای تشکیل لیست شورای شهر اول اختلافاتی روی چهار نفر در بین کارگزاران و مشارکت پیش آمد. اختلاف بین محمد غرضی، علیراده طباطبایی، فروزش و خانم سیاسی بود. اینها درواقع مورد تأکید کارگزاران بودند. بعدها بین خانم وسمقی نیز اختلاف شد. همچنین کارگزاران، حقیقی و داود سلیمانی را در لیست خود قرار نداد؛ ولی اینها در لیست مشارکت بودند. درنتیجه دو لیست بیرون آمد. یک لیست به‌اصطلاح مشارکت و لیست دیگر کارگزاران بود، یک لیست هم نیروهای خط امام بودند که نیروهای خط امام لیستش با مشارکت تفاوت نداشت». یک نکته جالب دیگر در این دوره از انتخابات که دیگر نیز شاهد آن نبودیم، حضور لیست نهضت آزادی و نیروهای ملی-مذهبی برای شورای شهر تهران بود که در دوره اول و دوم شوروها موفق به کسب رأی لازم نشدند.

نخستین انتخابات شوراهای شهر و روستا در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۷۷ برگزار شد و ۱۰ روز بعد در تاریخ ۱۷ اسفند نتایج آن از طرف وزارت کشور اعلام شد؛ اگرچه نخستین جلسه این شورا در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸ برگزار شد، درنهایت لیست اصلاح‌طلبان تماما آرای مردم تهران و شهرستان‌ها را از آن خود کرد و اصلاح‌طلبان که یک سال قبل دوم خرداد را پشت‌سر گذاشته بودند، این انتخابات را نیز با شور باقی‌مانده از انتخابات ریاست‌جمهوری با پیروزی قاطع به پایان رساندند.

عبدالله نوری اول و محمد غرضی پانزدهم شد تا شورای شهر اول تهران میان چپ‌های خط‌امامی تا راست مدرن با بوی هاشمی تشکیل شود.

۱۵ منتخب شورای شهر اول تهران به این قرار بودند: عبدالله نوری (۵۸۸۶۳۳ رأی)، سعید حجاریان‌کاشانی (۳۸۶۰۶۹ رأی)، جمیله کدیور (۳۶۹۶۶۹ رأی)، فاطمه جلالی‌پور (۳۵۰۱۷۳ رأی)، محمدابراهیم اصغرزاده (۳۴۷۱۷۳ رأی)، محمد عطریانفر (۳۲۲۸۹۷ رأی)، احمد حکیمی‌پور (۳۰۴۶۰ رأی)، محمدحسین درودیان (۲۷۹۹۴۶ رأی)، سیدمحمد علیراده طباطبایی (۲۶۰۴۶۲ رأی)، مرتضی لطفی (۲۲۴۸۶۷ رأی)، رحمت‌الله خسروی (۲۲۰۰۲۱ رأی)، غلامرضا فروزش (۲۱۵۵۲۰ رأی).

رأی)، صدیقه وسمقی (۲۱۰۳۰۳ رأی)، عباس دوزدوزانی (۲۰۰۵۲۱ رأی) و سیدمحمد غرضی (۱۹۲۲۱۱ رأی). در کلان‌شهرهای دیگر ازجمله اصفهان و شیراز هم اصلاح‌طلبان پیشتاز انتخابات شدند و این سازوکار نوساخته را به دست گرفتند و پس از آن نخستین چالش‌ها پیش‌روی اصلاح‌طلبان قرار گرفت؛ زیرا ایده تشکیل شورا بدون درنظرگیری امکانات و ساختار مشخصی اجرا شده بود و فقط در تهران آن هم به خاطر نفوذ نمایندگان در دولت شورا توانست کار خود را منظم و منسجم آغاز کند؛ اما برای مثال در شیراز صرفا ساختمانی برای شروع کار به اعضای شورا اهدا شده بود و سازمان مشخصی تا چند مدت برای این کار وجود نداشت و محمدرضا مغاره به‌عنوان رئیس شورا تا مدتی درگیر مشکلات این‌چنینی و حجم وسیع مطالبات مردمی به‌صورت نامه‌های دریافتی بود؛ زیرا شوروها مطالبه وسیعی را در شهرها ایجاد کرده بودند که با توجه به انتخابی‌بودن آن توقع مردم نیز طبیعتا از این سازوکار به‌سرعت ایجاد شده بود.

شاید اولین چالش شوراهای شهر در سراسر کشور پس از استقرار، انتخاب شهردار بود که این روند در تهران ابعاد کلان‌تر و جدی‌تری به خود گرفت؛ زیرا چهره‌هایی که کاندیدای شهرداری تهران بودند، دارای سوابق بسیار پیچیده‌تری نسبت به شهردار دیگر شهرها محسوب می‌شدند. برای مثال شهرداری تهران کاندیداهایی از جنس بهزاد نبوی، مرتضی الیوری، محمد غرضی، دانش آشتیانی و چهره‌های این‌چنینی داشت و اداره تهران نیز همیشه لقمه بزرگی برای سیاست‌مداران بوده است و قربانی‌های درخور توجهی نیز داشته است.

اگرچه بازهم همه چیز به این سادگی پیش نرفت و ادامه روند کار شوروها ازجمله در تهران باعث بروز اختلافات جدی میان اصلاح‌طلبان شد که برخی همین مسئله را یکی از نخستین عوامل تضاد میان اصلاح‌طلبان می‌دانند. همین تضادها بالاخره شورای شهر اول اصلاح‌طلبان را در دی‌ماه ۸۱ تا انحلال نیز پیش برد؛ اما در شهرهای دیگر شاهد بروز چنین تضادهایی در این ابعاد نبودیم.

شورای شهر اول تهران حتی ترور را نیز در سابقه خود به جا گذاشته است که آثار آن هنوز بر پیکر سعید حجاریان قابل مشاهده است. یک اثر دیگر این شورا که شاید اثر ماندگارش هنوز قابل‌دیدن باشد، نتیجه اختلاف اصلاح‌طلبان در شورای شهر اول است که برای دور دوم این شورا به علت ایجاد نوعی ناامیدی از این جریان در مدیریت شهری و تحریم انتخابات، اصولگرایان در تهران و شهرستان‌ها موفق شدند به شوراهای شهر دست یابند و بر اثر آن محمود احمدی‌نژاد را به‌عنوان شهردار تهران معرفی کنند که باور برخی این سمت، پل صعود او به ریاست‌جمهوری بود و مسلمان نتایج دوران ریاست‌جمهوری او هنوز قابل لمس است.

تاکنون تنها یک نفر از اعضای شورای نخست اقدم به انتشار خاطراتش کرده است که به فهم بخش‌های تاریک و مبهم آن دوره کمک می‌کند؛ مههم از این نظر که چرا این سازوکار دموکراتیک با اختلافات درونی یک جناح دچار انحلال شد.

خبر

پیام رئیس‌دولت‌اصلاحات به‌کنگره مردم‌سالاری

کار مهم اصلاح‌طلبان در شرایط فعلی

- مردم‌سالاری آنلاین**: بیستمین کنگره حزب مردم‌سالاری با شعار «احیای اعتماد عمومی، لازمه مشارکت حداکثری» و با پیام سیدمحمد خاتمی که در آن شش کار مهم اصلاح‌طلبان برشمرده شده، آغاز شد. در بخش‌هایی از پیام خاتمی آمده است: «جامعه ما در عرصه حیات اجتماعی درگیر بحران‌های بزرگی است که بخشی از آن ناشی از فشارهای ظالمانه‌ای است که از بیرون به ملت ما تحمیل شده است و بخش دیگر نتیجه اشکالات ساختاری و رویکردی است و این بخش ازجمله در کارگر افتادن مشکلات بیرونی مؤثر بوده است. همچنین در این پیام مطرح شد: «اینک که بخش‌هایی از جامعه چون اصلاح‌طلبان احساس می‌کنند که از حوزه قدرت رسمی بیرون رانده شده‌اند و مهم‌ترین ابزار بروز و استقرار حاکمیت ملی یعنی صندوق رأی از کار افتاده یا از آنان (یعنی از ملت) گرفته شده است، چند کار مهم پیش‌رو دارند: ۱- بازنگری در اوضاع و احوال خود، شناخت و بررسی مشکلات و نارسایی‌هایی که داشته‌اند و موانعی که پیش‌روی‌شان بوده است. ۲- تلاش برای احیای نقش صندوق [رأی] و بازگرداندن آن به جایگاه واقعی‌اش با همه روش‌های مسالمت‌آمیز. ۳- تلاش گسترده برای روشن‌کردن افکار عمومی که یکی از پایه‌های مهم قدرت و اقتدار واقعی است و تقویت نقش نمایندگی خود از جامعه و افکار عمومی با درک درست مطالبات آن و البته همسورکردن آن با واقعیت‌ها و امکانات کشور و دفاع از مطالبه‌گری جامعه. ۴- حرکت به‌سوی ایجاد یک تفاهم ملی بر مبنای مصالح عمومی و امنیت جامعه از همه جهات. ۵- شناخت دقیق آسیب‌ها فارغ از دید جناحی و تلاش برای دستیابی به راهکارهایی برای دفع و درمان آنها و تنظیم برنامه‌هایی که تأمین‌کننده مصالح ملی است و آسان‌تر و ارزان‌تر به نتیجه می‌رسد و غرض آن به دست‌اندرکاران اداره امور و کمک به اجرای درست آنها و نیز قراردادن آن در اختیار افکار عمومی. ۶- در وضعیت و موقعیت کنونی دلبستگیان به اصل نظام و خواستاران عزت ملت و سربلندی کشور که داعیه اصلاح‌طلبی دارند، با توجه به تنگناها و مشکلات و موانع راهی جز حرکت متحد جبهه‌ای در عین تقویت فعالیت‌های حزبی و اصلاحات تشکیلاتی ندارند.»

لونجین **LONGINES**

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

